

راوی کِشم

به مناسبت درگذشت احمد بازماندگان خمیری
مورخ برجسته و هویت ساز خلیج فارس

معرفی کتاب خواجه عطا
برای بازخوانی هویت بندرعباس

روایت «کِشم»: میراث مانای «بازماندگان»

برنده دوی ماراتن

احسان رضایی تازیانی

اگزستانسیالیست ها و در راس آنها ژان پل سارتر معتقد بود که اگر یک معلول نتواند برنده مسابقات المپیک دوی ماراتن شود مقصر فقط خودش است.

دکتر احمد بازماندگان خمیری ترجمان و مصداق بارز این دیدگاه بود و توانست با شرایط ویژه ای که داشت و معلول بود و از ویلچر استفاده می کرد اما از پای ننشست از خانواده کم بضاعت در یکی از محلات قدیمی شهر خمیر سر برآورد، حرکت کرد و خود را به قله فرهنگ، تاریخ و پژوهش مملکت رساند. این روند و روحیه در ایشان برای بنده بسیار درس آموز است. لذا پیشنهاد می کنم تندیس او را بسازیم و در سردر شهر نصب کنیم. با خیابانی را به نام او نام گذاری کنیم که نماد امید و رشد و رسیدن

به اهداف باشد. استاد احمد بازماندگان خمیری به حق شایسته این جایگاه است و می تواند برای جوانان ونوجوانان هرمزان و بندر خمیر الگوی شایسته ای باشد. در مورد جنبه های تخصصی کار ایشان قطعاً صاحب نظران سخن می رانند و مقاله می نویسند که البته شایسته این کار هستند. اما این جنبه شخصیتی، اجتماعی ایشان برای نگارنده بسیار قابل توجه و درس آموز است. در زمانه ای که نظام ارزشها دگرگون شده است، ارج نهادن به این افراد می تواند راهگشای فرهنگ و اجتماع باشند. ای کاش به جای تشویق و تمجید از سرمایه سالاران و سوداگران می توانستیم از اینگونه افراد تجلیل کنیم که از فرش به عرش رسیدند و از آنها الگو بسازیم نه از بلاگرها و قاجاقچیان و آدمهای فیک. از آدمهای اصیل و ناب و دسته اول و واقعی. اما افسوس که چه زود دیر می شود.



مهدی ده دار



دکتر احمد بازماندگان خمیری، تاریخ نگاری بود که با وجود محدودیت های جسمانی، با پیوند دانش دانشگاهی و زیست جهان جنوب، روایتی انسانی، هویت ساز و ماندگار از خلیج فارس آفرید.



اختصاصی تحت عنوان «مسیر روایت تاریخی کشم» طراحی گردد. در این فضا، می توان با بهره گیری از میراث مکتوب او، روایتی فرهنگی-تفسیری ایجاد نمود تا تاریخ خلیج فارس و تجارت دریایی، برای بازدیدکنندگان بازگو شود.

همچنین در دانشگاه پیام نور قشم، تأسیس «مرکز مطالعات تاریخی خلیج فارس - دکتر احمد بازماندگان خمیری» و برگزاری سالانه «سخنرانی یادبود»، گامی بلند در جهت نهادینه سازی میراث علمی اوست. افزون بر این، بنیان گذاری جایزه ی سالانه ی «اراده و تاریخ» به نام ایشان، ویژه پژوهشگران جوان و دانشجویان دارای معلولیت، پیوندی معنادار میان زیست شخصی و میراث فکری او برقرار می سازد؛ جایزه ای که عدالت آموزشی را به ارزش های علمی گره می زند.

یادمان فیزیکی او نیز بایسته است که مفهومی باشد؛ ترکیبی از سنگ های ژئوسایت ها و خطوط موج دار، تا «حرکت» را تداعی کند. اگر بخواهیم او را در قابی یگانه به یاد آوریم، باید گفت: «دکتر احمد بازماندگان خمیری تاریخ نگاری بود که گرچه جسمش در حصار محدودیت ماند، اما نگاهی بی کرانه بود.» او رفت، اما «راه و اندیشه اش» نرفت؛ «روایت کشم» باقی ماند. درست همچون خلیج فارس، که هر موجش بازگشتی است به خاطره ای کهن و امیدی تازه برای روایت کردن.

بر ویلچر، اما ایستاده در میان امواج اراده» سخن می گفت. در قاموس او، محدودیت های جسمی نه مانع، که آستانه هایی برای عبور بودند تا اثبات کند دانش، پیش از نیاز به حرکت تن، به استقامت ذهن و جسارت روح محتاج است. ویلچر او نه نشانه ی ناتوانی، که «کشتی کوچکی» بود برای درنوردیدن اقیانوس های بی کران دانش. زیست جهان دکتر بازماندگان، تجسم عینی استعاره ی «درخت لور» (انجیر معابد) بود؛ ریشه دوانده در اعماق خاک شور جزیره، اما سایه گستر و بخشنده. همان گونه که این درختان اساطیری با شرایط سخت اقلیمی سازگار شده و بیومسی منحصر به فرد می آفرینند، او نیز با وجود طوفان های جسمانی، اکوسیستمی از دانش و پژوهش را در پیرامون خود خلق کرد. او نشان داد که چگونه می توان در جزیره ای محصور در آب، جسمانی، اکوسیستمی از دانش و پژوهش را در پیرامون خود خلق کرد. او نشان داد که چگونه می توان از محدودیت، پلی به سوی بی نهایت ساخت.

در روزی که خبر رحلتش پس از ۱۸ روز اغما در فضای رسانه ای ایران طنین انداز شد (۱۱ آذر ۱۴۰۴)، جامعه ی علمی دریافت که یکی از شاهدان امین تاریخ، به تاریخ پیوسته است. اما برای پاسداشت او، راهی فراتر از سوگواری نیاز است. از آنجا که آن فقید، عضو شبکه همیاران ژئوپارک جهانی یونسکو قشم بود، پیشنهاد می گردد در موزه ژئوپارک، پاپوینی

فرهنگی و تعاملات انسانی ساکنان کرانه های خلیج فارس بدل شوند؛ رویکردی که به آثارش غنایی انسان شناسانه بخشد.

در ساحت دانشگاهی، او در دانشگاه پیام نور قشم، در کسوت ریاست، استادی و پژوهشگری، فراتر از عناوین اداری ظاهر شد؛ او پلی استوار میان دانش آکادمیک و زیست بومی مردمانی بود که در میانشان می زیست. تألیفات او چنان جایگاه مرجعی یافتند که اثر شاخص در حوزه «سیاست و تجارت در فارس»، و مفتخر به دریافت عنوان «کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۴۰۳ گردید. فراتر از اوراق و اسناد، کلاس های درس او برای دانشجویان جنوب، میعادگاه «هویت جویی» بود. دکتر بازماندگان «معلم عزت نفس» بود. او به نسل جوان آموخت که چگونه «جنوبی بودن» را نه به عنوان یک موقعیت جغرافیایی حاشیه ای، بلکه به عنوان متنی غنی و سرشار از تعاملات بین المللی قرائت کنند. حضور او در کلاس درس، با وجود دشواری های جسمانی، این درس بزرگ را به شاگردانش دیکته می کرد که جوینده ی دانش، حتی اگر باهایش یاری رفتن نداشته باشند، اندیشه اش می تواند مرزهای زمان و مکان را درنوردد و بر قله های دانایی بایستد.

دکتر احمد بازماندگان خمیری، به واسطه ی شرایط جسمانی و میراث دوران کودکی، سالیان عمر را بر صندلی چرخ دار سپری کرد. او تاریخ را ایستاده روایت نمی کرد؛ بلکه «نشسته

فقدان پژوهشگر و تاریخ‌نگاری از میان مردم



کرده بود که تجارت سنتی قشم می‌تواند الگویی برای گردشگری سبز باشد، جایی که بازدیدکنندگان نه تنها دره ستارگان را ببینند، بلکه داستان بازگانان صفوی را بشنوند. از منظر فرهنگی، آثار او به هویت‌بخشی به جوامع محلی کمک کرده. برای نمونه، روایت‌های شفاهی در کتاب آخرش، صدای زنان و ماهیگیران قشم را که سال‌ها خاموش بود، زنده کرده است.

در نهایت، دکتر احمد بازماندگان خمیری بیش از یک مورخ است؛ او پلی میان گذشته پرتلاطم جنوب و آینده‌ای پایدار است. با دریافت جایزه کتاب سال که توسط دانشگاه پیام‌نور هرمزگان جشن گرفته شد، «خمیری» به نسل جوان جنوب پیمای واضح داد: «تاریخ قشم، کلید توسعه ماست.» در روزهایی که جهان به خلیج فارس چشم دوخته، پژوهش‌های او یادآوری می‌کند که جنوب ایران، نه تنها پلی ژئوپلیتیک، بلکه گنجینه‌ای فرهنگی است که شایسته بازشناسی جهانی است.

ژئوپارک قشم: تاریخ طبیعی و انسانی» و «بازماندگان خلیج: داستان‌های شفاهی از ماهیگیران قشم» نه تنها بخشی از تالیفات این پژوهشگر و تاریخ‌نگار جنوب کشور هستند که با رویکردی توصیفی، تحلیلی عمیق از تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ ساکنان جنوب کشور ارائه می‌دهند.

خلاتی که احساس خواهد شد

در دورانی که جنوب ایران با چالش‌هایی چون تغییرات اقلیمی، گردشگری ناپایدار و فراموشی میراث تاریخی روبه‌روست، آثار دکتر احمد بازماندگان خمیری همچون چراغی راهنما برای علاقه‌مندان و پژوهشگران این منطقه بود. قشم با ژئوپارک جهانی یونسکو و جنگل‌های حرا، پتانسیل اقتصادی عظیمی دارد، اما بدون درک تاریخی، این پتانسیل به بهره‌برداری نادرست منجر می‌شود. مرحوم «خمیری» در تحلیل‌هایش بر «اقتصاد مقاومتی مبتنی بر میراث» تأکید داشت تا جایی که بارها در صحبت‌های خود تأکید

تمام رسید. او مدرس دانشگاه بود. مدتی قبل نیز به‌عنوان رئیس دانشگاه پیام‌نور واحد بین‌الملل قشم انتخاب شده بود. در سال‌های اخیر با تأسیس «مرکز مطالعات خلیج فارس» در دانشگاه پیام‌نور بندرعباس، «خمیری» به تربیت نسل جدیدی از پژوهشگران جنوب پرداخته است. زندگی شخصی‌اش نیز آمیخته با جنوب است.

مرحوم «بازماندگان خمیری» بیش از ۵۰ مقاله علمی در مجلات معتبر مانند «فصلنامه تاریخ ایران» و «جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای قشم» منتشر کرده است. تمرکز اصلی آثارش بر جنوب ایران، به‌ویژه جزیره قشم است که به‌عنوان بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس، میراثی غنی از تمدن‌های هندی، پرتغالی و عمانی دارد. «تجارت دریایی در تنگه هرمز: نقش قشم در قرن هجدهم»، «سیاست و تجارت در فارس: از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان» (برنده جایزه کتاب سال ۱۴۰۲)، «میراث

تقدیر قرار گرفته بود، نمادی از تعهد عمیق به کاوش ریشه‌های فرهنگی و اقتصادی خلیج فارس است. از تاریخ تجارت و ساختار اداری فارس و بنادر گرفته تا زندگی اجتماعی مردم جنوب، از نقش اقلیت‌های دینی در اقتصاد خلیج فارس تا مسیرهای دریایی حج و ارتباطات فرهنگی جزیره با جهان پیرامون؛ موضوعاتی که سال‌ها کمتر کسی به آن‌ها نزدیک شد و او با صبر، نگاه انتقادی و شیوه تحلیل‌محورش احیای شان کرد.

از خاک هرمزگان تا قله‌های دانش

دکتر احمد بازماندگان خمیری، متولد دهه ۱۳۵۰ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان خمیر استان هرمزگان، از کودکی با بوی نمک خلیج فارس و داستان‌های کهن بازگانان پرتغالی و عرب بزرگ شد. خمیر- این بندر تاریخی در شمال جزیره قشم- که در دوران صفوی و زندیه مرکز تجارت ادویه، مروارید و کشتی‌سازی بود، زادگاه اوست. پدرش، بازماندگان خمیری، تاجری سنتی در تجارت خرما و ماهی بود که نخستین جرقه‌های علاقه به تاریخ اقتصادی را در ذهن جوان احمد افروخت. «خمیری» در مصاحبه‌ای با یکی از رسانه‌های محلی استان هرمزگان گفته بود: «جنوب ایران نه تنها جغرافیا، بلکه تقاطع تمدن‌هاست؛ من از کودکی شنیده‌ام که چگونه قشم پلی میان شرق و غرب بوده است.»

تحصیلات او در رشته تاریخ از دانشگاه شهیدبهشتی تهران آغاز شد؛ جایی که کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را با تمرکز بر تاریخ اقتصادی خلیج فارس به پایان رساند. در سال ۱۳۸۵، با دفاع از رساله دکترایش با عنوان «تجارت دریایی در تنگه هرمز: نقش جزایر قشم و هرمز در قرن هجدهم»، دکترای تاریخ را از دانشگاه تهران دریافت کرد. این رساله که بعدها به کتابی مستقل تبدیل شد، براساس اسناد آرشیو ملی بریتانیا و عثمانی نگاشته شده و برای نخستین بار نقش قشم را به‌عنوان «دروازه تجارت جنوب» برجسته کرد.

پس از دکترا، «خمیری» به‌عنوان استادیار تاریخ دانشگاه پیام‌نور هرمزگان مشغول به‌کار شد و در سال ۱۳۹۵ به مرتبه استادی

عبدالرضا دشتی زاده

بازماندگان خمیری از آن دست پژوهشگرانی بود که تاریخ را نه در فاصله که در تنفس روزمره مردم جنوب می‌فهمید. او می‌دانست که هر موج خلیج فارس حامل داستانی است، هر اسکله نشانه‌ای، هر خانه گلی بندر روایتی از دادوستد و زندگی و هر نام فراموش شده یک پاره از حافظه جمعی. نگاهش به جنوب، نگاهی بیرونی نبود؛ از دل همان خاک، همان باد و همان فرهنگ بر می‌آمد. شاید به همین دلیل بود که آثارش بیش از آنکه صرفاً «کتاب» باشند، «شهادت‌نامه‌ای» درباره ریشه‌ها، تغییرات و تناقض‌های تاریخی این سرزمین محسوب می‌شدند. حالا در نبود او، نه فقط جامعه دانشگاهی که بسیاری از اهالی فرهنگ و حتی مردم عادی قشم با پرسشی بزرگ روبه‌رو شده‌اند: چه کسی قرار است روایت‌هایی را ادامه دهد که او می‌دانست اگر ننویسد، در ازدحام تحولات امروز فراموش خواهند شد؟

«احمد بازماندگان خمیری مورخی بود که تاریخ خلیج فارس را از دل زندگی مردم جنوب روایت کرد و با آثارش، حافظه جمعی این سرزمین را از فراموشی نجات داد.»

در میان پژوهشگرانی که با قلم و تحقیق، هویت جنوب ایران را از فراموشی نجات می‌دهند، نام دکتر احمد بازماندگان خمیری همچون نگینی درخشان می‌درخشد. این استاد دانشگاه و نویسنده برجسته هرمزگانی که به تازگی با دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بخش تاریخ مورد

سعید قلیچی

روزنامه نگار

در جنوب ایران، در حاشیه نوار شمالی خلیج فارس، آنجا که بادهای موسمی بوی تاریخ و فرهنگ کهن را با خود حمل می‌کند، یازدهم آذرماه ۱۴۴ خبر تلخ درگذشت دکتر احمد بازماندگان خمیری منتشر شد.

پژوهشگری که سال‌ها از میان اسناد و خاطرات، روایت‌های فراموش شده خلیج فارس را زنده کرده بود، حالا خود به بخشی از همان تاریخ تبدیل شده است. مرگ او نه فقط فقدان یک استاد دانشگاه یا پژوهشگر ساده، بلکه از دست رفتن یکی از معدود صداهای تحلیلگر و ژرف‌نگر درباره ساختار سیاسی، تجاری و فرهنگی جنوب ایران است؛ صدایی که با خاموشی‌اش خلأی در مطالعات منطقه‌ای پدید خواهد آمد.

احمد بازماندگان خمیری، پژوهشگر برجسته مطالعات خلیج فارس، رئیس تازه‌منصب شده دانشگاه پیام‌نور مرکز بین‌الملل قشم بود که بسیاری او را به‌عنوان مورخ نامدار «جزیره قشم» می‌شناختند. «قشم» نامی بود که او در اکثر آثار و سخنرانی‌های خود درباره جزیره قشم با تأکید استفاده می‌کرد. «بازماندگان خمیری» البته تنها یک چهره

در جستجوی روایت‌های گمشده خلیج فارس



دانشگاهی و آکادمیک نبود، نام او در همیاران ژئوپارک جهانی یونسکو جزیره قشم نیز مطرح بود. سال‌ها بود که او یک پای ثابت حضور در برنامه‌های فرهنگی و تاریخی جزیره قشم و بخش‌های مختلف استان هرمزگان بود و دائم از دانسته‌های پژوهشی و تاریخی خود برای معرفی بهتر این منطقه بهره می‌برد. دکتر احمد بازماندگان خمیری در آستانه روز کتاب و کتابخوانی (جمعه ۲۳ آبان) دچار سکنه مغزی شد و سرانجام پس از گذراندن چندین روز اغما در بیمارستان پیامبر اعظم (ص) شهر قشم، بامداد روز سه شنبه یازدهم آذرماه درگذشت. اسفندماه پارسال بود که نام «بازماندگان خمیری» در محافل فرهنگی و پژوهشی کشور درخشید. روزهای پایانی سال گذشته کتاب «سیاست و تجارت در فارس از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان» تألیف دکتر احمد بازماندگان خمیری، عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور قشم کشور، موفق به کسب جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. این اثر به بررسی تحولات سیاسی و اقتصادی فارس از زمان سقوط دولت صفویه تا استقرار کامل حکومت کریم‌خان زند در شیراز (۱۱۰۸ تا ۱۱۳۷ خورشیدی) می‌پردازد. نویسنده با تکیه بر منابع معتبر تاریخی، تلاش کرده است رابطه سیاست و تجارت را در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ ایران تحلیل کند.

میرهاشم امیرزاده شمس؛ بازرگان پیشرو و چهره ماندگار بندرعباس



باشد و نقشی مؤثر در آبادانی و توسعه این شهر ایفا کند. میرهاشم امیرزاده شمس، فعال برجسته اقتصادی و کشاورزی جنوب کشور، سرانجام در سال ۱۳۹۴ چشم از جهان فروبست و نامی نیک و ماندگار از خود در تاریخ بندرعباس برجای گذاشت.

**برگرفته از کتاب نامک گمبرون،
اثر علی کمالی زاده**

با پیگیری این مسئله، نقش مهمی در اصلاح این روند ایفا کرد. همچنین پیگیری مشکل آب‌رسانی به شهر بندرعباس از جمله اقدامات ماندگار او در حوزه خدمات شهری به شمار می‌رود. در بخش کشاورزی نیز، ابتکار و نگاه آینده‌نگر او قابل توجه است. وی با واردات نهال موز از کشور عمان، زمینه رونق مزارع موز را فراهم کرد و محصول تولیدی با نام «موز فرد» میناب و بندرعباس به بازار عرضه شد. بعدها با واردات نهال موز از هند و لبنان و گسترش سطح زیر کشت، به بزرگ‌ترین پرورش‌دهنده موز در این منطقه تبدیل شد.

میرهاشم امیرزاده شمس در حوزه عمران و مسکن نیز منشأ خدمات ارزشمندی بود. اجرای پروژه خانه‌سازی و احداث چهل دستگاه خانه با قیمت مناسب برای اقشار کم‌درآمد، از جمله اقدامات انسان‌دوستانه او به شمار می‌رود. همین نگاه مردمی و اجتماعی سبب شد که او در فاصله سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۹ عضو انجمن شهر بندرعباس

کیلویی، به کشور آلمان ارسال می‌گردید. این حجم از مبادلات، نشان‌دهنده نقش پررنگ او در اقتصاد منطقه و ارتباطات تجاری بین‌المللی آن دوران است.

در دوره بیستم انتخابات مجلس شورای ملی، میرهاشم امیرزاده شمس به نمایندگی از مردم بندرعباس انتخاب شد. او در دوران نمایندگی، توجه ویژه‌ای به مشکلات معیشتی مردم، به‌ویژه صیادان و بازرگانان داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات او، معاف کردن صیادان از پرداخت مالیات بر صید بود؛ اقدامی که با وجود اصرار دولت بر اجرای قانون مالیاتی، با پیگیری مستمر و قاطع او به نتیجه رسید و تأثیر بسزایی در بهبود وضعیت زندگی صیادان داشت.

از دیگر فعالیت‌های مهم او، حل مشکل واردات جای بود. در آن زمان، بازرگانی که قصد واردات جای خارجی داشتند، ملزم بودند به همان میزان جای نامرغوب داخلی خریداری کنند؛ قانونی که زبان‌های قابل توجهی به تجار وارد می‌کرد. امیرزاده شمس

آموزش‌های ابتدایی خود را در فضایی سنتی و مذهبی به پایان رساند. اما هنوز نوجوانی بیش نبود که در سیزده‌سالگی، عمویش نیز دارفانی را وداع گفت و او عملاً بدون تکیه‌گاه خانوادگی، وارد مرحله‌ای دشوار از زندگی شد. این شرایط، او را زودتر از هم‌سالانش با مسئولیت، کار و تلاش آشنا کرد.

او در شانزده‌سالگی قدم به عرصه تجارت گذاشت و به فعالیت در حوزه صادرات و واردات روی آورد. در آن سال‌ها بندرعباس یکی از بنادر مهم تجاری جنوب کشور به شمار می‌رفت و میرهاشم امیرزاده شمس توانست با پشتکار و هوشمندی، جایگاه قابل توجهی در میان بازرگانان منطقه به دست آورد. به گفته خودش، در دوره‌ای که اوج فعالیت تجاری‌اش بود، به‌طور متوسط هفته‌ای یک‌بار کشتی‌هایی با ظرفیت چهار هزار تن در بندرعباس پهلو می‌گرفتند. از این بندر، انواع خشکبار و گل سرخ به هندوستان صادر می‌شد و محصولاتی همچون مویز و حنا، در کیسه‌های پنج



سامیه طهوریان



میرهاشم امیرزاده شمس از جمله بازرگانان معتبر، خوش‌نام و اثرگذار بندرعباس بود که نام او با رونق تجارت، توسعه کشاورزی و آبادانی شهری این بندر تاریخی گره خورده است. او در سال ۱۳۰۰ خورشیدی چشم به جهان گشود و از همان سال‌های کودکی با فراز و نشیب‌های زندگی آشنا شد. در هفت‌سالگی پدر خود را که از بازرگانان خوش‌نام و مورد اعتماد مردم بندرعباس بود از دست داد و سرپرستی او به عمویش سپرده شد. این اتفاق نقطه عطفی در زندگی او بود و سبب شد از همان سنین پایین، روحیه استقلال و تلاش در وجودش شکل بگیرد.

میرهاشم خواندن و نوشتن را در محضر حاج شیخ عبدالرحیم انصاری فرا گرفت و

اهالی روستاهای سیل زده جاسک برای بازگشت به زندگی عادی نیازمند کمک‌رسانی بیشتری هستند

زندگی از صفر



فاطمه محمودآبادی



رودخانه دیگری نیز که بزرگ‌تر است و سرچشمه دوردستی دارد، از شاخه‌ای به سمت روستای ما سرازیر شد و هیچ سازه کنترلی یا سیل‌بندی روی آن وجود ندارد. دهیاری سیل‌بندی کوچکی ایجاد می‌کنند که سطح آب ورودی، بیشتر و از آن عبور می‌کند». به گفته او سیل‌بندهای اطراف روستا تاحدودی ترمیم و تقویت شدند اما فقر تجهیزات امدادی و کمبود ماشین‌آلات در منطقه احساس می‌شود و لازم است فشار بیشتری برای حضور سریع‌تر آن‌ها در این مناطق وارد شود.

به گفته این ساکن روستا، بیشترین آسیب‌ها در روستای نگر بلوچی رخ داده و حدود ۲۵ خانوار به شدت نیازمند کمک هستند و نزدیک به ۲۸ واحد مسکونی تخریب جدی شده‌اند؛ البته ارزیابی‌ها همچنان ادامه دارد و ممکن است میزان خسارات در برخی موارد بیشتر یا کمتر برآورد شود. روستای باغان نیز شرایط مشابهی دارد. خدمات‌رسانی انجام شده اما مشکلات اساسی هنوز باقی است. وضعیت تخلیه گل‌ولای در منازل تا حدی صورت گرفته است. با این حال، سه تا چهار واحد مسکونی به شدت آسیب دیده و خسارت جدی متحمل و چندین خانه دیگر نیز دچار آب‌گرفتگی و تخریب شده‌اند. همچنان نیاز است تجهیزات و ماشین‌آلات بیشتری برای بهبود وضعیت کوچه‌ها و خیابان‌ها و تسهیل تردد مردم به روستا ارسال شود. گل‌ولای زیاد است و رفت‌وآمد برای مردم دشوار شده است. اهالی روستاهای سیل زده برای بازگشت به زندگی عادی به حمایت‌های بیشتری از استان و کشور نیاز دارند.

شدن میزان کمک‌های بلاعوض، تسهیلات بانکی و مشخص شدن زمان پرداخت هستند تا تکلیفشان روشن شود.». لطیفی اضافه کرد: «دولت اعلام کند چه میزان و چه موقع می‌خواهد به مردم این مناطق کمک بلاعوض کند. بسیاری از آسیب‌دیدگان سیل، کارگر و کم‌درآمد هستند. خانه‌هایی که آسیب جدی دیدند را می‌شناسم این‌ها توان پرداخت وام با بهره بالا را ندارند. برخی خانواده‌ها تازه تشکیل شده بودند؛ نوerosان و تازه‌دامادانی که تمام وسایل زندگی‌شان از بین رفته است. وسایلی مانند تلویزیون، کولر، فرش، سرویس خواب، پمپ آب و حتی موتورسیکلت‌ها که ارزش مالی بالایی دارند، یا کاملاً از بین رفته یا قابل تعمیر نیستند.»

پیشگیری از وقوع سیل بعدی؛ بیش از ۲۵ خانوار آسیب جدی دیده‌اند

کوچه‌های روستا هنوز پر از گل‌ولای است. حجم خرابی‌ها بالاست و عملاً بخش زیادی از زیرساخت‌ها از بین رفته است. لطیفی می‌گوید هنگام صحبت با ما، آبی که از منازل روستا تخلیه می‌شود از نزدیک خانه‌ها رد می‌شود و حجم آن به گونه‌ای که انگار رود آبی در جریان است. او از عدم لایروبی رودخانه‌های فصلی با وجود هشدارهای متعدد هواشناسی هم گفت: «سیل به دلیل لایروبی نشدن رودخانه بالادستی اتفاق افتاد. یکی از رودخانه‌ها که مسیر مستقیم دارد، به دلیل پر شدن بستر و عدم لایروبی، از چند نقطه طغیان کرد و آب وارد نخلستان‌ها و سپس منازل شد. مردم غافلگیر شدند؛ اگر کف رودخانه لایروبی شده بود، این مشکل پیش نمی‌آمد.

بیشتری در منطقه نیاز است. برخی از خانه‌ها تا یک متر آب گرفتگی داشته‌اند و به طور جدی آسیب دیده، دیوار حیاط‌ها فرو ریخته است و وسایل برقی از تلویزیون، کولر، یخچال و... سوخته است. برخی از وسایل زندگی نیز در سیلاب غافلگیرکننده آن روز گمشده یا غیرقابل استفاده شده‌اند. برخی از اهالی معتقدند با وجود هشدارهای متعدد هواشناسی و ستاد بحران، لایروبی رودخانه‌ها انجام نشده بود و همین امر موجب وقوع سیل و آسیب جبران ناپذیر به زندگی مردم شد لذا انتظار می‌رود دستگاه قضایی شهرستان جاسک به عنوان مدعی‌العموم این موضوع را مورد پیگیری قرار دهد.

مردم توان مالی بازسازی ندارند

اهالی روستاهای «نگر» و «باغان» در جاسک نیازمند بسیج امکانات و ماشین‌آلات نیاز دارند. آن‌ها در صحبت‌هایشان بارها از تلاش‌ها و اقدامات تمامی دستگاه‌ها از جمله فرمانداری، دستگاه قضایی، گروه‌های جهادی و... تشکر می‌کنند. شغل اغلب آن‌ها دامداری، کشاورزی یا کارگری و جوان‌ترها صیادی است و جبران خسارت‌هایی که از سیل دیده‌اند، بار سنگینی بر دوششان است. یکی از ساکن روستای سیل زده نگر در همین خصوص می‌گوید: «عملکرد دولت و دستگاه‌ها در کنترل شرایط اولیه وقوع سیل قابل قبول بود و منطقه به خوبی مدیریت شد. با این حال، مشکل اصلی اکنون مربوط به بازسازی منازل و حیاط‌هایی است که به‌طور جدی تخریب شده‌اند. مردم توان مالی بازسازی از جیب خود را ندارند و نیازمند مشخص

قدردان فعالیت‌های گروه‌های جهادی و تلاش مسئولانی که پای کار بودند، هستند با این حال روند بازگشت به روستا به وضعیت قبل از سیل، کند است. معابر و کوچه‌های روستاها به طور کامل تخریب شده و تردد با دشواری انجام می‌شود. سرویس‌های بهداشتی منازل در پی ورود سیلاب غیرقابل استفاده شدند و ماشین‌های لجن کش

سیل در روستاهای جاسک تمام نشده است. ۸ روز گذشته و مشخص نیست چند روز دیگر باید بگذرد تا بتوانند دوباره سر پا شوند و به زندگی عادی برگردند.

به گزارش امید ساحل، روستاهای سیل‌زده «نگر» و «باغان» در شهرستان جاسک به امداد رسانی بیشتری نیاز دارند. آن‌ها





فرصت طلایی پرداخت نقدی عوارض ساختمانی با تخفیف‌های چشمگیر در بندرعباس

مدیر درآمد شهرداری بندرعباس از آغاز اجرای بسته تشویقی پرداخت نقدی عوارض صدور پروانه ساختمانی خبر داد.

فاطمه راد محمدی اظهار کرد: این طرح با هدف حمایت در بخش ساخت‌وساز، افزایش توان متقاضیان برای دریافت پروانه ساختمانی و توسعه بنا در شهر بندرعباس، و براساس تبصره ۲ ماده ۷ دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور (مربوط به تبصره ۱ ماده ۲ قانون درآمدهای پایدار شهرداری‌ها) از دی‌ماه سال جاری آغاز شده و تا پایان سال ادامه خواهد داشت. وی افزود: تخفیفات اعمال‌شده شامل پروانه ساختمانی، توسعه، تمدید، پایان کار، ابقا بنا، جرائم دیرکرد، عوارض نوسازی و عمران شهری و حرف و مشاغل، پروژه‌های نهضت ملی مسکن، بافت فرسوده و

سایر موارد مرتبط است. مدیر درآمد شهرداری بندرعباس هدف از این طرح را تشویق شهروندان به پرداخت به موقع عوارض، کاهش جرائم دیرکرد و رونق ساخت‌وساز در شهر عنوان کرد. راد محمدی خاطرنشان کرد: تخفیفات با ضرایب متفاوت در سه‌ماهه پایانی سال (دی تا اسفند) اعمال می‌شود. شهروندان می‌توانند برای استعلام دقیق مبلغ عوارض ملک خود و اعمال تخفیف، به سایت رسمی شهرداری بندرعباس به نشانی bandarabbas.ir یا اداره درآمد شهرداری محدوده سکونت خود مراجعه کنند و یا از سامانه‌های پرداخت آنلاین عوارض استفاده نمایند. راد محمدی در پایان تأکید کرد این طرح فرصتی مناسب برای کاهش هزینه‌های ساخت‌وساز و حمایت از توسعه پایدار شهری در بندرعباس است.

شهردار بندرعباس:

خواجه عطا، بازخوانی هویت تاریخی و فرهنگی بندرعباس

شهردار بندرعباس در این مراسم با تأکید بر نقش آثار مکتوب در حفظ حافظه تاریخی شهرها، گفت: کتاب خواجه عطا صرفاً یک اثر تاریخی نیست، بلکه تلاشی ارزشمند برای بازخوانی هویت فرهنگی بندرعباس و پیوند نسل امروز با ریشه‌های تاریخی این شهر است. وی افزود: محله خواجه عطا بخشی از شناسنامه تاریخی بندرعباس به شمار می‌رود و پرداختن علمی و پژوهشی به چنین فضاهایی، می‌تواند در تقویت هویت شهری، گردشگری فرهنگی و خودآگاهی اجتماعی نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

کتاب خواجه عطا؛ روایتی تازه از شکوه گمشده تاریخ هرمزگان نوشته ابراهیم صفری‌زاده، عصر ششم دی‌ماه هم‌زمان با آیین افتتاح چهارمین جشنواره فرهنگی، ورزشی و گردشگری خواجه عطا، با حضور مرادی نماینده مجلس، موسوی عضو شورای اسلامی شهر، شهردار بندرعباس، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان و جمعی از پژوهشگران، واصحاب فرهنگ و مردم در سالن همایش اتاق بازرگانی استان هرمزگان رونمایی شد؛ اثری که به بازخوانی تاریخی، فرهنگی و هویتی یکی از کهن‌ترین محله‌های بندرعباس می‌پردازد.

شهردار بندرعباس با اشاره به اهمیت برگزاری جشنواره‌های محله‌محور اظهار داشت: جشنواره خواجه عطا نمونه‌ای موفق از زنده نگه‌داشتن تاریخ در بطن زندگی اجتماعی شهر است و رونمایی از این کتاب در دل چنین رویدادی، نشان‌دهنده پیوند میان پژوهش، فرهنگ و زیست شهری است.

آیین رونمایی از کتاب خواجه عطا؛ روایتی تازه از شکوه گمشده تاریخ هرمزگان به قلم ابراهیم صفری‌زاده نویسنده هرمزگانی، عصر شنبه ششم دی‌ماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۸ و هم‌زمان با افتتاحیه چهارمین جشنواره فرهنگی، ورزشی و گردشگری خواجه عطا، در سالن همایش اتاق بازرگانی استان هرمزگان برگزار شد.



بازدید شهردار بندرعباس از نمایشگاه

صنعت ساختمان و صنایع وابسته

نکته تأکید کرد که توسعه شهری پایدار بدون بهره‌گیری از ساخت‌وساز نوین، مصالح استاندارد و طراحی‌های متناسب با اقلیم امکان‌پذیر نیست. این جمله، در ظاهر ساده است، اما در بطن خود حامل یک پیام مهم است: مدیریت شهری، ناگزیر از بازتعریف رابطه خود با صنعت ساختمان است؛ رابطه‌ای که باید از سطح اجرا به سطح سیاست‌گذاری آگاهانه ارتقا یابد.

آنچه در این میان اهمیت دارد، تبدیل چنین بازدیدها و نمایشگاه‌هایی به فرآیندی مستمر است، نه رویدادی مقطعی. صنعت ساختمان، حوزه‌ای نیست که بتوان با تصمیم‌های کوتاه‌مدت آن را اصلاح کرد. انتخاب مصالح، شیوه‌های اجرا و الگوهای معماری، مستقیماً بر کیفیت زندگی شهروندان، مصرف منابع و حتی هویت شهری تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، پیوند میان مدیریت شهری، تولیدکنندگان داخلی و متخصصان، باید به یک گفت‌وگوی دائمی تبدیل شود. نمایشگاه صنعت ساختمان بندرعباس را می‌توان یک فرصت دانست؛ فرصتی برای بازاندیشی در این پرسش بنیادین که شهر را صرفاً می‌سازیم یا آگاهانه طراحی می‌کنیم؟ پاسخ به این پرسش، مسیر توسعه آینده را مشخص خواهد کرد. اگر نگاه پژوهش‌محور و اقلیم‌گرا که در این بازدید مورد تأکید قرار گرفت، به سیاست‌های اجرایی تبدیل شود، می‌توان امیدوار بود که ساخت‌وساز در بندرعباس از یک فعالیت صرفاً عمرانی، به ابزاری برای ارتقای کیفیت زیست شهری بدل شود. در نهایت، شهر موفق، شهری نیست که فقط سریع ساخته شود؛ شهری است که درست ساخته شود. نمایشگاه‌ها می‌آیند و می‌روند، اما تصمیم‌هایی که امروز در حاشیه آن‌ها گرفته می‌شود، سال‌ها در کالبد شهر باقی می‌ماند.

ساختن یا اندیشیدن به چگونه ساختن در عصر حاضر با تأملی بر نمایشگاه صنعت ساختمان بندرعباس

شهرها پیش از آن‌که با بتن و فولاد ساخته شوند، با اندیشه شکل می‌گیرند. نمایشگاه صنعت ساختمان و صنایع وابسته، اگر درست دیده شود، صرفاً محلی برای عرضه محصولات و رقابت تجاری نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که در آن می‌توان نسبت امروز شهر با فردای آن را سنجید. حضور شهردار بندرعباس در این نمایشگاه، از همین زاویه قابل تحلیل است؛ حضوری که می‌تواند نشانه‌ای از عبور مدیریت شهری از نگاه‌های صرفاً اجرایی به رویکردی آگاهانه‌تر و دانش‌محور باشد.

صنعت ساختمان در ایران، سال‌هاست با دوگانه‌ای ناتمام دست‌وپنجه نرم می‌کند: سرعت در ساخت یا کیفیت در زیست این دوگانه، به‌ویژه در شهرهایی با شرایط اقلیمی خاص مانند بندرعباس، حساس‌تر می‌شود. اقلیم گرم و مرطوب، مصرف بالای انرژی، فرسایش مصالح و فشار بر زیرساخت‌ها، همگی یادآور این واقعیت‌اند که ادامه مسیرهای سنتی ساخت‌وساز، هزینه‌هایی فراتر از اقتصاد به شهر تحمیل می‌کند. نمایشگاه صنعت ساختمان، تصویری فشرده از پاسخ‌های ممکن به این چالش‌ها را ارائه می‌دهد؛ از مصالح نوینی که با هدف افزایش دوام و کاهش مصرف انرژی طراحی شده‌اند، تا الگوهای فضا‌سازی داخلی و خارجی که تلاش دارند میان زیبایی‌شناسی، کارایی و پایداری تعادل برقرار کنند. در چنین فضایی، بازدید میدانی مدیران شهری معنا پیدا می‌کند؛ زیرا تصمیم‌های کلان، زمانی کارآمد خواهند بود که بر پایه مشاهده، گفت‌وگو و ارزیابی دقیق شکل گرفته باشند. شهردار بندرعباس در حاشیه این بازدید بر این



همتی برای ساخت هرمزگان تاب‌آور در بحران

عباس جمال‌دینی



با توجه به وقایع اخیر مرتبط با سیلاب در شهرستان سیریک و به ویژه روستای مهرگی، لازم می‌دانم، ضمن قدردانی از تلاش‌های صورت گرفته، نکاتی را به منظور تحلیل، تقدیر و ارائه پیشنهاد برای ارتقای مدیریت بحران آینده بیان کنم. لازم به تقدیر است که ستاد بحران استان در اطلاع‌رسانی و ابلاغ هشدارهای لازم در موعد مقرر قبل از وقوع بحران، بسیار خوب و مسئولانه عمل کرد و این هشدارهای قرمز به‌درستی و با حساسیت لازم برای تمامی شهرستان‌ها از جمله سیریک صادر شد.

در ادامه، جا دارد از حضور فوری، موثر و دلسوزانه جناب آقای دکتر آشوری استاندار محترم استان، معاون محترم هماهنگی امور عمرانی استانداری جناب آقای مهندس صادقی‌پور و مدیران کل استان که در محل حادثه حاضر شدند، تقدیر و تشکر ویژه داشته باشم. حضور میدانی ایشان در اوج بحران و در کنار مردم آسیب‌دیده، علاوه بر

تسلی خاطر هموطنان، نشان‌دهنده عزم جدی دستگاه اجرایی استان برای مدیریت شرایط و تسریع در رفع مشکلات بود. اقدام عملی و مدیریت موثر معاون محترم هماهنگی امور عمرانی استانداری هرمزگان در بازگشایی سریع محور ارتباطی سیریک-جاسک، نمونه‌ای بارز از حضور مسئولانه و کارآمد است. همچنین، از زحمات تمامی نیروهای مردمی، بسیج، سپاه، نیروی انتظامی، گروه‌های جهادی، بخش خصوصی و امام جمعه محترم شهرستان که حضور فعال و دلسوزانه‌ای داشتند و بی‌چشم داشت در کمک‌رسانی و پاکسازی مناطق آسیب‌دیده حضور یافتند، صمیمانه سپاسگزاریم.

این همدلی و همراهی، سرمایه اجتماعی گران‌بهای استان ماست. با کمال تأسف باید اذعان داشت که با وجود هشدارهای قرمز پیش از وقوع سیل از طرف مدیریت بحران استان، مدیریت عملیاتی و میدانی در ساعات اولیه و اوج بحران در شهرستان سیریک با کاستی‌های جدی مواجه بود. این نقد به دور از هرگونه غرض شخصی و با هدف بهبود فرایندها و جلوگیری از تکرار چنین رخداد‌های

تلخی ارائه می‌شود، چرا که این رخدادها مستقیماً جان و مال مردم را تحت تأثیر قرار داده و مآشات یا عدم بیان صریح واقعیت‌ها، تنها بر مشکلات مردم خواهد افزود. متأسفانه نبود ماشین‌آلات عمرانی در صحنه از سحرگاه تا ظهر روز جمعه، عملاً حضور میدانی فرماندار و ستاد بحران شهرستان را در آن بازه زمانی حیاتی بی‌اثر کرد. زمان در مدیریت بحران عامل است و این ضعف، امکان کاهش خسارات را به شدت محدود کرد.

کنه قابل تأمل دیگر، عدم تخلیه پیش‌دستانه روستاهای در معرض خطر مانند مهرگی و عدم استقرار پیش‌دستانه ماشین‌آلات در کانون‌های پیش‌بینی شده بحران در دهستان گونمردی است، با وجود اینکه روستای مهرگی سابقه سیل داشت و شرایط محیطی آن تغییر محسوسی نکرده بود نیاز بود این مهم صورت پذیرد. با وجود چند کانون بحران، تمرکز تیم مدیریتی در یک نقطه و ناتوانی در هماهنگی موثر با نیروهای حاضر در صحنه موجب سردرگمی، ازدحام وسایل نقلیه شخصی و کاهش بهره‌وری عملیات شد. در ساعات اولیه، مدیریت اخبار و اطلاعات به طور موثر در دست ستاد بحران شهرستان نبود. همچنین تعامل ناکافی با بخش خصوصی محلی، دستگاه‌داران و دهیاری‌ها برای بسیج سریع امکانات در همان دقایق اولیه، فرصتی ارزشمند را از دست داد. این ظرفیت‌های بومی و دلسوز می‌توانستند نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل اولیه سیلاب داشته باشند. عملکرد بخشدار مرکزی سیریک در پیشگیری، آماده‌سازی و پاسخ به بحران، به ویژه در عدم تعامل موثر با دهیاری‌ها و ظرفیت‌های محلی بخش مرکزی، نقطه ضعف جدی و غیرقابل قبولی بود که از چشم مردم پنهان نمانده است. در این راستا، دو پیشنهاد کاربردی و مهم ارائه

می‌شود. نخست، لزوم طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی اجباری و دوره‌های تخصصی مدیریت بحران برای کلیه فرمانداران، بخشداران و مدیران ستادهای بحران شهرستان‌ها، با تأکید بر تمرینات میدانی و شبیه‌سازی شرایط واقعی، تا آمادگی عملیاتی لازم برای مدیریت صحنه در ساعات اولیه حساس فراهم آید. دوم، اختصاص اعتبارات لازم در بودجه سالانه برای لایروبی کامل و اصولی رودخانه‌های مشکل‌دار از جمله رودخانه‌های گز و هیوه، اجرای سیل‌بندها در کنار روستاهای در خطر و همچنین تسریع در انجام و اتمام مطالعات ساخت سد بر روی این رودخانه‌ها در اولویت قرار گیرد. در این مسیر، با توجه به وجود روحیه مشارکت‌جویانه در مردم و بخش خصوصی محلی، می‌بایست سازوکارهای شفاف و ساده‌ای برای جذب و هدایت این ظرفیت عظیم مردمی در امر پیشگیری و پاسخگویی سریع تعریف و اجرا شود. در پایان، از اینکه فرماندار محترم و سایر مسئولین شهرستان در زمان وقوع سیل و به ویژه در مرحله پس از حادثه، در مدیریت کمک‌ها و پیگیری برای بازگشت شرایط زندگی به روستاهای آسیب‌دیده، دلسوزانه پای کار مردم بوده‌اند تشکر می‌کنیم. این نقد صرفاً برای بیان واقعیت‌های میدانی با هدف اصلاح روندها و ارتقای آمادگی ارائه شده و امیدواریم مورد توجه و اقدام جدی قرار گیرد. ما درد و رنج همشهریانمان در روستای مهرگی و سایر مناطق آسیب‌دیده را درک می‌کنیم و فقدان جان یک کودک عزیز را به خانواده محترم ایشان و تمام مردم شهرستان سیریک تسلیت می‌گوییم. بیان شفاف این نقد مصلحانه تنها برای یک هدف است و آن جلوگیری از تکرار چنین فجایعی در آینده تا بتوانیم در کنار هم، استانمان را در برابر بلایای طبیعی تاب‌آورتر سازیم.

آگهی برگزاری فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) فراخوان شماره: ۲۰۰۴۰۹۲۴۲۱۰۰۰۰۲۴

شرکت گاز استان هرمزگان در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) رنگ آمیزی ایستگاه‌ها را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:

- موضوع مناقصه: تهیه مصالح و اجرای رنگ آمیزی ایستگاه‌های تقلیل فشار و اندازه‌گیری گاز در سطح شهرستان بندرعباس و حاجی‌آباد
- مدت قرارداد: ۲۷۰ روز تقویمی
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت-های الف: بندرعباس- بلوار گاز- شهرک فجر شرکت گاز استان هرمزگان - دفتر امور قراردادها تلفن: ۵۵-۷۶۳۱۹۴۷۱۵۱-۷۶۳۱۹۴۷۱۵۱
- مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: پس از تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی
- مهلت زمانی ارسال پاسخ فراخوان: حداکثر ۱۴ روز پس از اتمام مهلت دریافت اسناد فراخوان
- برآورد دستگاه مناقصه‌گزار: ۳۵,۴۹۲,۴۲۱,۵۱۸ ریال
- به این مناقصه ۲۰٪ پیش پرداخت تعلق می‌گیرد.
- به منظور ارزیابی مالی پیشنهادات از دستورالعمل تعیین دامنه قیمت-های متناسب پیشنهادی وزارت نفت استفاده می‌گردد.
- حداقل رتبه قابل قبول جهت شرکت در مناقصه: رتبه پنج انبیه از سازمان برنامه و بودجه.

ضمناً کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت-ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.



آگهی برگزاری فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) فراخوان شماره: ۲۰۰۴۰۹۲۴۲۱۰۰۰۰۲۸

شرکت گاز استان هرمزگان در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) ترمیم نوار حفاری را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:

- موضوع مناقصه: تهیه مصالح و اجرای ۳۶۰۰۰ مترمربع ترمیم نوار حفاری، زیرسازی و آسفالت در سطح شهر بندرعباس
- مدت قرارداد: ۳۶۵ روز تقویمی
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت-های الف: بندرعباس- بلوار گاز- شهرک فجر شرکت گاز استان هرمزگان - دفتر امور پیمان‌ها تلفن: ۵۵-۷۶۳۱۹۴۷۱۵۱-۷۶۳۱۹۴۷۱۵۱
- مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: پس از تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی
- حداقل رتبه قابل قبول جهت شرکت در مناقصه: رتبه پنج انبیه و ساختمان یا رتبه پنج راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه.
- برآورد دستگاه مناقصه‌گزار: ۵۰۶,۲۸۳,۳۳۶,۰۰۰ ریال
- به این مناقصه ۲۰٪ پیش پرداخت تعلق می‌گیرد.
- به منظور ارزیابی مالی پیشنهادات از دستورالعمل تعیین دامنه قیمت-های متناسب پیشنهادی وزارت نفت استفاده می‌گردد.
- حداقل رتبه قابل قبول جهت شرکت در مناقصه: رتبه پنج انبیه و ساختمان یا رتبه پنج راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه.

ضمناً کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت-ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.





بی‌توجهی به هیئت ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان شهرستان بندرعباس

ستاره‌های خاموش



فاطمه کریمی



رئیس هیئت ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان بندرعباس با انتقاد از عدم عمل به وعده‌ها و کمبود جدی حمایت‌های مالی و تجهیزاتی، از شرایط سخت تمرین، نبود سالن مناسب، محدودیت اعزام‌ها و بی‌توجهی برخی مدیران به درخواست‌های رسمی این هیئت خبر داد.

کمبود حمایت‌ها و وعده‌های بر زمین مانده

عبدالرسول رئیسی، رئیس هیئت ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان شهرستان بندرعباس، در گفت‌وگویی با صراحت از چالش‌های جدی این هیئت سخن گفت؛ چالش‌هایی که معتقد است تنها نتیجه یک چیز است: عملی نشدن وعده‌هایی که هر بار از سوی مدیران داده می‌شود. رئیسی گفت: آنچه باعث عقب‌ماندگی این هیئت شده، نه کمبود تلاش و انگیزه ورزشکاران، بلکه ضعف در حمایت‌های اجرایی و عملی است. او با اشاره به این‌که هیئت هشت رشته فعال دارد، تأکید کرد: «مهم‌ترین چالش ما نبود حمایت است. برای برگزاری کلاس‌ها نیاز به مربی داریم و مربی هم هزینه می‌خواهد.

اما با وضعیت فعلی فقط توانسته‌ایم رشته گلبال را پوشش دهیم و سایر رشته‌ها عملاً بدون پشتوانه مانده‌اند.» به گفته‌ی وی، ورزشکاران نابینا برای آمادگی حضور در مسابقات استانی و کشوری نیاز به تمرین مستمر دارند، اما حمایت‌ها محدود است و برنامه‌ها به دلیل نبود امکانات اجرایی نمی‌شود.

رئیس یکی از نمونه‌های مشخص کمبود حمایت را وضعیت بانوان نابینا در رشته گلبال دانست و گفت: «برای بانوان نابینا تنها یک ساعت سالن در هفته اختصاص داده‌اند، در صورتی که ورزشکار باید حداقل سه جلسه تمرین داشته باشد تا به آمادگی برسد.» به گفته‌ی او، بسیاری از سالن‌ها یا اجاره داده شده‌اند یا ظرفیت لازم را ندارند و مراجعه مداوم هیئت برای دریافت وقت تمرین نیز اغلب به نتیجه نمی‌رسد. نتیجه این شرایط، از دست رفتن آمادگی تیم و حتی حذف برخی ورزشکاران از ترکیب اعزامی است.

رئیس تأکید کرد: همین کمبود تمرین باعث شد نتوانیم تیم گلبال دختران را برای مسابقات آماده کنیم. تعامل هیئت با اداره ورزش و جوانان موضوع

دیگری بود که رئیس هیئت به آن پرداخت. او با بیان این‌که اداره ورزش با توجه به تعداد زیاد هیئت‌ها قادر به پوشش کامل خواسته‌ها نیست، گفت: «همکاری وجود دارد اما در سطح عالی نیست. شاید امکانات ندارند یا بودجه کافی نیست، اما واقعیت این است که نیازهای ما تأمین نمی‌شود.»

وعده‌هایی که عملی نشد؛ از بدقولی شیلات تا کمک آلومینیوم المهدی

یکی از موضوعاتی که رئیسی با صراحت به آن اشاره کرد، نمونه مشخص یک وعده عمل نشده از سوی یکی از دستگاه‌ها بود. او گفت: «مدیرکل شیلات هرمزگان به ما قول داده بود از رشته‌های میدانی حمایت کند و حتی این موضوع رسانه‌ای هم شد. اما وقتی برای اعزام هشت یا نه ورزشکار مکاتبه کردیم، گفتند فقط یک نفر را می‌توانند پوشش دهند.» رئیسی تأکید کرد که این تصمیم ناگهانی موجب شد هیئت برای تأمین هزینه‌ها به مجموعه آلومینیوم المهدی متوسل شود تا حداقل هزینه رفت‌وآمد ورزشکاران پرداخت شود. رئیسی اضافه کرد: اگر چند مجموعه بزرگ صنعتی و اقتصادی استان همزمان پای کار

بیایند، تمام رشته‌های نابینایان می‌تواند فعال شود و ظرف دو تا سه سال ورزشکاران بندرعباس به تیم ملی راه پیدا می‌کنند. او معتقد است ظرفیت استعداد در استان وجود دارد اما حمایت‌ها محدود است.

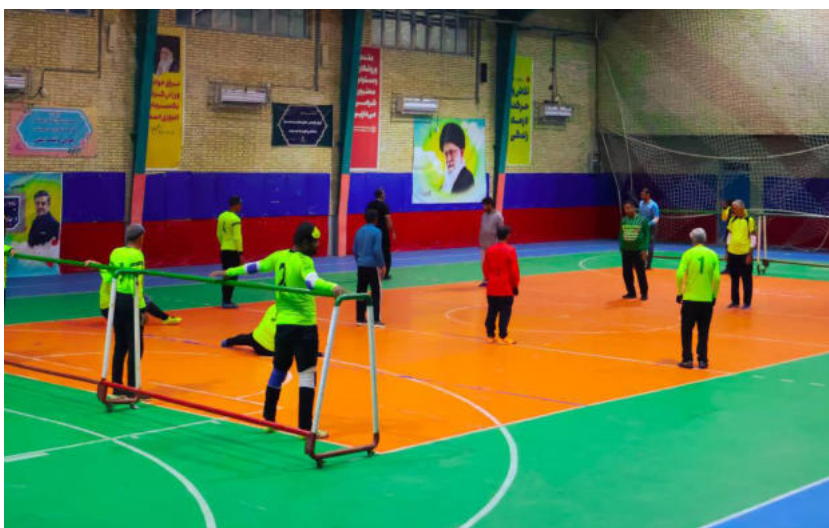
افتخاراتی که در سایه محدودیت‌ها رقم خورد

با وجود این مشکلات، ورزشکاران نابینا و کم‌بینای استان همچنان در صحنه رقابت‌ها حضور دارند. رئیسی در این باره گفت: «در رشته دوومیدانی، فاطمه درخار در پرتاب نیزه مقام سوم کشور را کسب کرد و اسحاق کمالی در دوی پنج هزار متر مدال نقره گرفت.» او همچنین به مقام‌های گذشته اشاره کرد و افزود: «تیم گلبال پیشکسوتان در بابلسر مازندران مقام دوم را کسب کرد.» به گفته او، هیئت نابینایان و کم‌بینایان هرمزگان از سال ۹۴ تاکنون مجموعاً ۱۵۰ مدال در رشته‌های مختلف کسب کرده است. با این حال، برخی رشته‌ها مانند فوتبال پنج نفره که پیش‌تر موفق به کسب مقام‌های کشوری شده بود، به دلیل نبود امکانات لازم چند سال است که تعطیل شده و فعالیتی ندارد. رئیسی همچنین به نکته

مهمی اشاره کرد: «در شهرستان بندرعباس ۱۳۸۸ نابینا وجود دارد. اگر حمایت باشد می‌توانیم آن‌ها را ساماندهی کنیم، اما بدون پشتوانه مالی این کار امکان‌پذیر نیست.» او تأکید کرد بسیاری از ورزشکاران از طبقه کم‌برخوردار جامعه هستند و حتی توان پرداخت هزینه‌های اولیه ورود به ورزش را ندارند. همین موضوع باعث شده برخی استعدادها هرگز شناسایی نشوند.

امید به آینده؛ سالن ویژه نابینایان در انتظار تکمیل

در ادامه صحبت‌ها، رئیس هیئت ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان بندرعباس به پروژه‌ای اشاره کرد که می‌تواند بخشی از مشکلات اساسی آنان را حل کند: «در شهرک سجادیه سالی ویژه نابینایان در حال ساخت است. از استاندار محترم می‌خواهم کمک کنند تا این سالن هرچه زودتر تکمیل شود. اگر این مجموعه آماده شود، بسیاری از دغدغه‌های ما درباره امکان ورزشی برطرف خواهد شد.» رئیسی در پایان تأکید کرد که انتظار ورزشکاران نابینا و کم‌بینا، امکانات عجیب یا هزینه‌های سنگین نیست؛ تنها حداقل حمایت برای ادامه تمرین و آمادگی است.





■ صاحب امتیاز: شرکت تعاونی روزنامه و چاپخانه صبح ساحل

■ مدیر مسئول: الهام کرمی

■ قائم مقام مدیر مسئول: سردبیر: مهرباب رشیدی

■ دبیر: سامیه طهورنیا

■ دبیر ورزشی: فاطمه کریمی

■ گرافیکست: میترا حبیب زاده بندری

■ ایمیل: Omidsehalpress@gmail.com

■ دفتر مرکزی: بندرعباس، خیابان امام خمینی، جنب

بانک رفاه ساختمان صبح ساحل

■ چاپ: مهدوی کرمان ■ تلفن تماس: ۳۲۲۹۵۸۵

پژوهشگر و راوی کشم

ع. دشتی زاده

باستانشناسان کلنگ بدست کاوش در تپه و غارها و در نهایت مستند نگاری، تحلیل علمی بر اساس یافته های باستانی را انجام می دهند. موزخ ها یا تاریخ دانها بیشتر بر روی اسناد تاریخی، سفرنامه ها، نقشه، سکه و... متمرکز می شوند. به این دلیل هرکدام کارشان به نوعی بهم ربط دارند. در کشور گاهی باستان شناسها و مورخان حرف های جداگانه ای در مورد محوطه ای تاریخی می زنند. به نظر می رسد گاهی این دو متخصص چندان باهم در ارتباط نیستند. اینها را گفتیم که مرحوم دکتر بازماندگان خمیری اگرچه تاریخ پژوه بود ولی هیچ گاه ذهنش با تحلیل های باستان شناسی دور نبود. آرام آرام که باهم آشنا شدیم، متوجه شدم که ایشان علاقمند تحلیل های مردم شناسی هم هستند. به این دلیل وقتی به ایشان گفتیم درحال نوشتن کتابی در مورد خروج بریتانیا از باسعدو بر اساس مصاحبه های مردم شناسی هستیم، با وجود مشغله کاری لطف کردند کتاب را ببینند. به دقت کتاب سیزده دوازده را مطالعه و راهنمایی ام کردند. شناختن نسبت به ایشان باعث می شود که بگوییم این پژوهشگر همیشه گوش شنوایی به تحلیل سایر محققین در مورد تاریخ خلیج فارس داشت. به این دلیل پژوهش هایش تمامی جنبه های اجتماعی مردمان خلیج فارس را در بر می گرفت. راستش وقتی الان کتابها و مقالاتش را می خوانم افسوس می خورم که چقدر دریچه های پنهانی از هویت ایرانیان در خلیج فارس وجود دارد که می توانست با قلمش برآید روشن شود. بارها در مورد تخریب محوطه های تاریخی جزیره با من بحث و گفتگو می کرد. دغدغه اش توسعه مردم جزیره و هرمزگان بر اساس هویت تاریخی آنها بود. وقتی از شکوه گذشته جزیره قشم سخن می گفت در گفته هایش حسرت دیده می شد. همانطور که خیلی از اهالی جزیره با شنیدن مرگ ناگهانی این پژوهشگر ارزشمند در دل آه و حسرت خوردند.



سامیه طهورنیا

بهرام بیضایی از آن نام هایی است که حذف نمی شود؛ فقط جابه جا می شود. اگر صحنه و پرده از او دریغ شد، تاریخ ناچار شد او را در خود ثبت کند. او نه محصول زمانه ی خویش، که معترض آن بود؛ هنرمندی که به جای همدستی با فراموشی، به حافظه ی جمعی پناه برد و آن را وسعت داد.

بیضایی سینما و تئاتر را به کلاس درس بدل نکرد، اما هر اثرش درسی تمام عیار بود؛ درباره ی قدرت، دروغ، اسطوره، زن، تاریخ و حقیقت. در مرگ یزدگرد نشان داد حقیقت هرگز یک صدا نیست و قدرت، روایت را به خدمت می گیرد. در باشو، ایران را از شعارهای تهی نجات داد و به خاک، زبان و مادر بازگرداند؛ به جغرافیایی انسانی که از «یک آب و خاک» ساخته می شود. در سگکشی فریاد نسلی را ثبت کرد که اشک هایش را پیش تر ریخته بود. و در هشتمین سفر سندباد، جست و جوی حقیقت را به سرنوشت آگاهی بدل کرد؛ سرگردانی ای که فضیلت است، نه شکست. بیضایی «باسواد» بود، اما نه به معنای رایج و فرسوده ی آن. سواد او ریشه داشت؛ از اسطوره های شرق تا تراژدی های غرب را می شناخت، اما هرگز مقلد نبود. دانستن را برای ساختن زبان خود می خواست؛ زبانی که هم ایرانی است و هم جهانی، هم کهن و هم معاصر. او زن را به مرکز روایت آورد، نه از سر مد، که از سر فهم تاریخ حذف. و همین فهم، آثارش را ماندگار کرد. با او مهریان نبودند. امکان ساختن را از او گرفتند، کم کارش کردند، به حاشیه راندندش. اما بیضایی از آن دست هنرمندانی بود که خود را بیش از حد خرج نمی کنند؛ زمان نتوانست مصرفش کند. پیر نشد؛ عمیق تر شد. به موقع زیست، به موقع مشهور شد، به موقع کنار رفت و شأن خویش را حفظ کرد؛ شأنی که نه با سانسور فرو ریخت و نه با تشویق های دیر هنگام. نام او شاید در کتاب های درسی نیامده باشد، اما در جان آگاه ایرانیان حک شده است. بیضایی به ما آموخت چهل، بزرگ ترین دشمن مردمان است و حقیقت، هرچند دشوار و دیررس، ارزش جست و جو دارد حتی اگر هزار سال طول بکشد. او امروز هم، حتی دور از صحنه، ایستاده است؛ ایستاده در تاریخ.

بهرام بیضایی؛
ایستاده در تاریخ حتی دور از صحنه

